

میراث

قنات‌های کهگیلویه و بویراحمد؛ ردپای تمدن ایرانی در اعماق زمین



قنات‌های کشورمان و استان کهگیلویه و بویرا حمد یکی از شاهکارهای مهندسی آب به شمار می‌رود که نخستین بار در جهان از سوی نیاکان ایرانی ساخته شد به همین علت می‌توان گفت این سازه‌ها رد پای شکوه تمدن ایرانی در اعماق زمین است. به گزارش ایرنا، فناوری ساخت قنات توسط ایرانیان باستان کشف شد که در این فناوری آب در تمام طول سال بدون هیچ ابزار کمکی به سطح زمین می‌رسد و کشاورزان می‌توانند از این مایع حیاتی برای آبیاری استفاده کنند.

این سازه‌های باشکوه به یادگار مانده از ایران باستان که کاریز هم نامیده می‌شود به کانال‌های زیرزمینی گفته شده که در اعماق زمین حفر می‌شود و به وسیله آبراه‌های مختلف آب را به سمت سطح زمین هدایت می‌کند.

ساخت قنات نیازمند محاسبات و مهندسی دقیقی است؛ چنین محاسباتی موجب حیرت و شگفتی محققان غربی است به طوری که برای اینکه فرد حفر کننده چاه (مقنی) دچار کمبود اکسیژن نشود، هر چند وقت یک بار از بالا به داخل چاه سیمان پرت می‌شد تا هوا به پایین برده شود و او نفسی تازه کند.

■ قنات‌ها نماد تلاش ایرانیان برای هدایت آب

باستان شناس و معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد اعتقاد دارد قنات‌های تاریخی که در طول دوران در کشورمان ساخته شده گواه تلاش ایرانیان باستان برای هدایت آب به مناطق تشنه است.

اصغر آتش فراز با اشاره به اینکه بخشی از استان کهگیلویه و بویراحمد گرمسیر و قسمت دیگری از آن به علت اختلاف ارتفاع نیازمند هدایت آب بوده، تأکید کرد: نیاکان ایرانی در دوران مختلف از دوره ساسانیان تا صفویان با ایجاد قنات در نقاط مختلف استان آب را برای مصارف کشاورزی و آشامیدنی هدایت کرده‌اند.

■ قنات‌ها در کهگیلویه و بویراحمد

معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد عنوان کرد: ۱۳ مجموعه قنات تاریخی در استان وجود دارد که چهار مورد آن در فهرست آثار ملی ثبت شده است. آتش فراز تأکید کرد: قنات‌های خمینی آباد، کلایه، سرفاریاب و تمرین در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

وی عنوان کرد: رشته قنات‌های روستای خمینی آباد شهرستان دنا یادگار دوره صفوی که همچنان کاربرد توزیع آب چشمه‌های بالادست خود را حفظ کرده یکی از مهم‌ترین این سازه‌ها در استان است.

معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد تأکید کرد: رشته قنات‌های روستای خمینی آباد شهرستان دنا که یک کیلومتر طول دارد به علت اهمیتش به عنوان الگوی آبیاری سنتی، اسفند سال ۱۴۰۲ در فهرست آثار ملی ثبت شد.

وی با اشاره به اینکه یکی از رشته قنات‌های کهگیلویه و بویراحمد در نزدیکی بافت تاریخی دهدشت ایجاد شده که تاکنون دست کم ۱۵۰ حلقه چاه مشاهده شده بیان کرد: چاه مادر این رشته قنات‌ها دلار نام دارد.

آتش فراز تصریح کرد: قنات دشت سرفاریاب که آب را به روستای دلی یاسین می‌رساند از دیگر قنات‌های مهم کهگیلویه و بویراحمد است.

معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد ابراز کرد: قنات تمبی در شهرستان چرام که ۱۰۰ چاه آن شناسایی شده از دیگر قنات‌های ثبت ملی شده استان محسوب می‌شود.

وی اظهار کرد: آن طور که عکس‌های هوایی به جا مانده از سال‌های ۱۳۳۰ نشان می‌دهد در دشت یاسوج و جایی که امروز در نزدیکی انبارهای شرکت پخش فراورده‌های نفتی قرار دارد پیش از این قنات‌هایی وجود داشته و اکنون از بین رفته است.

وی با یادآوری اینکه هم اکنون ۶ رشته از قنات‌های تاریخی کهگیلویه و بویراحمد برای هدایت آب کشاورزی استفاده می‌شود، عنوان کرد: در صورت تأمین اعتبار احیای این سازه‌های تاریخی امکان‌پذیر است.

روایت خبرنگاران استان‌ها؛ از جاده‌های ناامن تا رسالتی که گاهی به قیمت جان تمام می‌شود

خبرنگار

راوی آخرین نفس‌ها و نخستین خبرها



خبرنگار گاهی فقط راوی حادثه نیست؛ گاهی خودش بخشی از همان حادثه می‌شود، گاهی میان خون، دود و انفجار می‌ایستد و شاتر دوربین را فشار می‌دهد نه برای گرفتن یک عکس بلکه برای اینکه حقیقت زیر آوار حادثه دفن نشود

نشناسد و شاید بسیاری هرگز ندانند آن تصاویر چگونه ثبت شد، اما واقعیت این است که پشت بسیاری از عکس‌هایی که فردای حوادث روی صفحه نخست روزنامه‌ها می‌نشینند، خبرنگاری ایستاده که خودش نیز تا چند قدمی مرگ رفته است؛ خبرنگاری که پیش از آنکه به زخم‌هایش فکر کند شاتر دوربین را می‌فشارد تا حقیقت زیر آوار حادثه دفن نشود و این تنها روایت یک روز نیست؛ روایت زندگی صدها خبرنگار در شهرهای مختلف ایران است؛ خبرنگارانی که هر روز میان وظیفه حرفه‌ای، مسئولیت انسانی و خطر ناچار نیستند یکی را انتخاب کنند بلکه هر سه را هم‌زمان بر دوش می‌کشند.

■ از محمود صارمی تا خبرنگاران امروز

هفدهم مرداد فقط یک تاریخ در تقویم نیست و پشت این روز قصه آدم‌هایی ایستاده که مردم آن‌ها را با قلم، دوربین و میکروفن می‌شناسند اما خودشان این حرفه را با شب‌های بی خوابی، جاده‌های طولانی، اضطراب لحظه حادثه و گاهی ترس از بازنگشتن تجربه کرده‌اند.

هفدهم مرداد با نام محمود صارمی ماندگار شده است؛ خبرنگاری که در مزارشریف افغانستان حتی در آخرین لحظات زندگی، مشغول انجام وظیفه بود.

آخرین خبرش هنوز روی خروجی خبرگزاری بود و چند دقیقه قبل نوشته بود طالبان وارد مزارشریف شده‌اند اما کمی بعد سکوت کنسولگری ایران با گلوله شکسته شد و محمود صارمی دیگر هرگز خبر مخابره نکرد و از همان روز نام او با هفدهم مرداد گره خورد؛ روزی که قرار بود فقط یادآور یک خبرنگار باشد اما به مرور به نماد همه خبرنگارانی تبدیل شد که برای روایت حقیقت بهای سنگینی پرداختند.

نام صارمی به نمادی از تعهد خبرنگاری تبدیل شد؛ تعهدی که گاهی هزینه‌اش از یک گزارش و یک تیتیر فراتر می‌رود اما قصه خبرنگاری فقط قصه چند نام شناخته شده نیست.

در کنار محمود صارمی، «محسن خرابی»، «مهشاد کریمی»، «ریحانه یاسینی» و خبرنگاران جانیافته سانحه C-۱۳۰ هزاران خبرنگار دیگر در سراسر کشور هر روز مشغول کاری هستند که کمتر دیده می‌شود. کسانی که شاید هیچ وقت عکسشان روی صفحه نخست روزنامه‌ها چاپ نشود اما

میان انگشتان و کف دستانش نشسته بود اما انگار هنوز دلش نمی‌آمد آن‌ها را کند. در آن لحظه تلفن همراه دیگر یک وسیله ارتباطی نبود؛ آخرین حلقه اتصال او با رسالتی بود که حتی انفجار هم نتوانسته بود از او بگیرد.

■ خبرنگار همیشه بخشی از حادثه است

وقتی به خود آمدم، لباس‌هایم پاره شده بود، دست‌هایم خون‌الود بود و دوربینم هنوز محکم میان انگشتانم قرار داشت. در همان لحظه سخت‌ترین برشش تمام‌سای‌های خبرنگاری‌ام پیش رویم قرار گرفت؛ باید دوربین را زمین می‌گذاشتم و به مجروحان کمک می‌کردم یا رسالتی را ادامه می‌دادم که مرا تا قلب حادثه کشانده بود؟

برای چنین لحظه‌ای هیچ کلاس روزنامه‌نگاری، هیچ آیین‌نامه حرفه‌ای و هیچ کتاب اخلاق رسانه‌ای پاسخی آماده نکرده بود. هنوز از شوک انفجار دوم بیرون نیامده بودم که چند نفر از نیروهای امنیتی به سمتم آمدند، فضایی حادثه به شدت آشفته بود و هر فرد ناشناسی می‌توانست مظنون باشد و من هر چه فریاد می‌زدم «من خبرنگارم» کمتر کسی حرفم‌باور می‌کرد. یکی از مأموران یقه پیراهنم را تا زیر چانه بالا کشید و دیگری تلاش می‌کرد دوربین را از دستم بگیرد و مشت‌هایی که بر شانه و کمرم فرود می‌آمد، کمتر از درد صحنه‌ای نبود که مقابل جریان داشت اما دوربین را رها نکردم.

آن دوربین فقط وسیله کارم نبود؛ حافظه آن روز بود، شاهد جانیتی بود که اگر ثبت نمی‌شد بخشی از حقیقت نیز همراه دود انفجار از میان می‌رفت.

سال‌ها از آن عصر گذشته است اما هنوز بوی باروت مسجد جامع زاهدان را فراموش نکرده‌ام و هر بار که دوربین را روی شانه می‌اندازم به آن خبرنگاری فکر می‌کنم که با پنج ترکش در دست، تلفن همراهش را رها نکرد. آن روز برای من فقط یک مأموریت خبری نبود بلکه تعریفی تازه از خبرنگاری بود. خبرنگار گاهی فقط راوی حادثه نیست؛ گاهی خودش بخشی از همان حادثه می‌شود، گاهی میان خون، دود و انفجار می‌ایستد و شاتر دوربین را فشار می‌دهد نه برای گرفتن یک عکس بلکه برای اینکه حقیقت زیر آوار حادثه دفن نشود. شاید هیچ شخصی آن عکاس خون‌الود و یا خبرنگار مجروح را

روایت آن‌ها از زندگی مردم بخشی از تاریخ همین سرزمین است.

■ زندگی‌ای که با خبر تنظیم می‌شود

هر سال در روز خبرنگار از اهمیت اطلاع‌رسانی، نقش رسانه‌ها و حق مردم برای دانستنن گفته می‌شود؛ اما کمتر کسی از خبرنگارانی حرف می‌زند که دور از پایتخت و در شهرهای کوچک بی‌آنکه نامشان همیشه دیده شود بار اصلی رساندن خبر را به دوش می‌کشند.

همان خبرنگارانی که وقتی زمین می‌لرزد پیش از رسیدن بسیاری از گروه‌ها خودشان را به محل می‌رسانند؛ وقتی سیل راه یک روستا را می‌بندد از مسیرهای سخت عبور می‌کنند تا روایت مردم گمشده در بحران را ثبت کنند و وقتی معدن فرو می‌ریزد با کارخانه‌ای آتش می‌گیرد خبرنگاران محلی هستند که دوربین به دست راه می‌افتند.

خبرنگار شهرستانی بر خلاف تصویری که گاهی از این حرفه وجود دارد، فقط کسی نیست که چند خط خبر بنویسد و آن‌را منتشر کند بلکه او در یک روز معمولی ممکن است چند نقش را هم‌زمان بر عهده داشته باشد؛ خبرنگار، عکاس، تصویربردار، تدوینگر، راننده و حتی کسی که باید صدای یک منطقه را به گوش مسئولان برساند.

■ جاده‌هایی که بخشی از مأموریت‌اند

برای بسیاری از خبرنگاران استان‌ها، خطر از همان لحظه‌ای آغاز می‌شود که خودرو را روشن می‌کنند.

جاده‌های طولانی، مسیرهای روستایی، مأموریت‌های شبانه و سفر برای رسیدن به یک حادثه، بخشی از روزمرگی آن‌هاست. وقتی زلزله کرمانشاه رخ داد، وقتی سیلاب گلستان، لرستان و خوزستان زندگی مردم را تغییر داد، وقتی آتش جنگل‌های زاگرس روزها ادامه پیدا کرد یا زمانی که معدنی در نقطه‌ای دورافتاده فرو ریخت پیش از بسیاری از رسانه‌های بزرگ این خبرنگاران محلی بودند که به محل رسیدند.

با کفش‌های خاکی، لباس‌های خیس، تلفن همراهی که شارژش رو به پایان بود و دوربینی که تنها ابزار ثبت حقیقت بود.

آن‌ها کنار نیروهای امدادی ایستادند، با خانواده‌های داغدار صحبت کردند و روایت‌هایی را ثبت کردند که اگر نبود شاید بسیاری از مشکلات مردم هرگز دیده نمی‌شد. خبرنگاران نیز مانند امدادگران، با صحنه‌های روبه‌رو می‌شوند که فراموش کردنشان آسان نیست؛ اما زخم‌های پنهان آن‌ها کمتر دیده می‌شود.

■ خبرنگارانی که مأموریتشان به آخرین سفر تبدیل شد

جامعه رسانه‌ای ایران بارها طعم تلخ از دست دادن خبرنگاران را چشیده است. دوم تیرماه ۱۴۰۰ یکی از همان روزهای تلخ بود؛ روزی که اتوبوس حامل خبرنگاران محیط زیست در آذربایجان غربی واژگون شد.

آن‌ها برای تهیه گزارشی درباره وضعیت دریاچه ارومیه و طرح‌های احیای آن راهی مأموریت شده بودند؛ سفری که قرار بود روایت تلاش برای نجات یک زیست‌بوم باشد اما خودش به خبری تلخ تبدیل شد.

مهشاد کریمی از خبرگزاری ایسنا و ریحانه یاسینی از خبرگزاری ایرنا در آن حادثه جان خود را از دست دادند.

آن روز جامعه رسانه‌ای فقط دو خبرنگار جوان را از دست نداد؛ بار دیگر این پرسش را مطرح کرد که امنیت خبرنگار در مأموریت‌های حرفه‌ای تا چه اندازه جدی گرفته می‌شود.

سال‌ها پیش در پانزدهم آذر ۱۳۸۴ نیز سقوط هواپیمای نظامی C-۱۳۰ تعدادی از خبرنگاران و عکاسان کشور را از جامعه رسانه‌ای گرفت. آن‌ها برای پوشش یک مأموریت خبری رفته بودند اما خودشان تبدیل به خبر شدند.

■ قهرمانانی که نامشان زیر خبرهایماند

خبرنگاران شاید قهرمان نامیده‌ن‌شوند اما هر روز کاری می‌کنند که حقیقت زنده بماند و شاید همین بزرگ‌ترین معنای خبرنگاری باشد.

عصرها که تحریریه‌ها آرام می‌شوند، بسیاری از خبرنگاران شهرستانی تازه از مأموریت برمی‌گردند؛ با دوربینی پر از عکس، کفش‌هایی خاکی و گاهی زخمی که کسی آن را نمی‌بیند، نام بیشترشان هیچ وقت تیتیر نمی‌شود اما اگر آن‌ها نباشند بسیاری از دردهای این سرزمین هم دیده نخواهد شد.

شاید خبرنگاران بیش از یک روز در تقویم به امنیت، قانون و حمایتی نیاز دارند که اجازه دهد فردا هم بتوانند دوربینشان را بردارند و دوباره به دل حادثه بزنند زیرا حقیقت همیشه از جایی آغاز می‌شود که یک خبرنگار تصمیم می‌گیرد از صحنه فرار نکند.

Quds Online

تبلیغات مجازی در

قدس آنلاین

بنا | رپرتاژ آگهی | حمایتی

۰۵۱۳۷۰۸۸

پذیرش اشتراک

۳۷۶۱۸۰۴۴

درخواست اشتراک با

ارسال عدد ۸۸۸ به شماره

۳۰۵۰۵۷۲۳۰۴

توزیع رایگان